



لطفای پیام‌های تان را به فارسی بنویسید ضمناً نام خودتان و شهرتان را در پیام‌ها فراموش نکنید.



شماره ۴۸۸

بحث روی محتوای کلمه تألیف نیست. اشکال روی لفظ تألیف است، یعنی باید بنویسند تصدیق در بازیگری دارد چون مؤلف یعنی گردآورنده آنچه دیگران دارند و مصنف یعنی نویسنده یا کسی که از خودش می‌گوید مال دیگری نیست یا ابداع کننده. اما نکته دیگری هم گفتند که درست نیست. گفتند ضعف سینمای ماست که خیلی‌ها ترجیح می‌دهند کارگردان معمولی باشند تا بازیگر درجه یک. مگر در هالیوود که اوج سینماست بازیگران در اوج با اواخر کارشان کارگردان نمی‌شوند؟ آن‌ها ضعف کجاست؟

شاهین شجری کهن: ممنون از توجه شما دوست گرامی. اما مقصود من دقیقاً تألیف در بازیگری بود. بازیگر خوب کسی است که تکه‌هایی از جامعه اطرافش و ریزه‌کاری‌هایی از بازیگران گذشته را جمع‌آوری کند و به بازی‌اش به تکامل برساند. قرار نیست فقط بازیگری را موفق بدانیم که ابداع می‌کند و چیز جدیدی پیش روی مخاطب می‌گذارد. بگذریم که زیر این آسمان کمبود هیچ چیز تازه‌ای وجود ندارد و سینما هم کم‌کم به هنری سال‌خورده تبدیل می‌شود. درباره اشاره‌تان به کارگردان شدن بازیگرها، حرف من این بود که بازیگر خوب بودن بهتر از کارگردان متوسط بودن است.



شماره ۴۸۶

اسماعیل عیادی از تهران: آقای ذوالفقاری دوست داشتم نظر شما را درباره داورهای جشنواره فجر قبول کنم، ولی نظر رضا کاظمی متأسفانه به واقعیت نزدیک‌تر است. شما را ارجاع می‌دهم به مصاحبه محمدعلی تجتی با مجله که اشاره می‌کند در یکی از دوره‌ها جایزه بهترین بازیگر زن به جیران شریف داده می‌شود چون در هنر ترسک چادر به سر داشت.

کمال اسماعیلی از تهران: چه نیکو و به‌جاست هشتاد دکتر جلالی‌فخر در رواج امینیسیم در جامعه بویژه در فضای مجازی؛ و چه عنوان مناسبی است «بی‌شعوری» برای آن یادداشت. به باور عامه، تحمیلات تکمیلی سوویه مقابل بی‌شعوری است. در حالی که ادراک و شعور خاستگاهی دیگر داشته و دانشگاه لزوماً توان برهم زدن این بن‌مایه اخلاقی را ندارد.



شماره ۴۸۷

عبدالله دبیری از مرودشت: طرح و رنگ بکر روی جلد این شماره از آقای دبیری و آن ایده هنرمندانه هلال ماه که پشت آرم مجله خوندنمایی می‌کند آراپخش و باصفا و به‌یادماندنی است. در مشخصات فیلم اعتراضات ذهن خطرناک من آهنگساز فیلم بامداد افشار است، اما آقای شجری کهن نوشته بامداد بیات. ضمناً آقای شاهین احمدی از بخش «فلاش‌بک» شاکای شده و خواهان نقدهای تخصصی خوندنگان احساسی - هرچند زیبا و تأثیرگذار - و نه فنی و محتوایی چاپ شود و برای فیلمی

است. به قول دوستان مجله اگر چیزی در چنته دارید دست به قلم و کیبورد شوید و نامه و ایمیل بفرستید. متشکرم از آقای چاب‌بخش نورایی بابت نقد رشتگرانه و تأمل‌برانگیز بر خانه پدري که حال‌مان را منتقل کرد و خلم شرکا با تفسیر دقیق خودش مبرور و آقای یاری عزیز با گفتم‌گوی جذاب با لئون هفتون.

شاهین شجری کهن: آسان از این اشتباه‌های لپی و سهوی! سهراب اخوان از تهران: روی جلد این شماره استثنایی و فوق‌العاده است. در ضمن من عاشق ورق زدن صفحه‌های چشم‌نواز آگهی هستم. میثم حجازی از کرمانشاه: در تصویر روی جلد، همه چیز از آمدن عصری نو برای سینمای ایران نوید می‌دهد.

فرنگیس حاج‌منوچهری از تهران: مطلب عباس یاری بر دل نشست. رضا نکتعی از یزد: فقط نه صفحه! واقعا نمک‌تکتهای ناگفته و ناشنیده‌ی وجوه ناب هنری محمدعلی کشاورز و حسین جعفریان همین قدر بود! بدون حتی یک مصاحبه با استاد محمدعلی کشاورز یا یادداشتی درباره استاد حسین جعفریان. هرچند طبق عادت معهود مجله در شماره‌های اخیر ویژه جشنواره همین روند برقرار بوده و ای هیچ ششکه و شکایت نیست و سکوت باید برای این جشنواره باشکوه (۱) و بزرگداشت‌های باشکوه‌تر (۲) بلکه دل آرام گرد.

دوست عزیز، در این گونه مناسبت‌ها قرار نیست همه حرف‌ها درباره یک سینماگر گفته شود. به مناسبت جشنواره درباره حسین جعفریان و محمدعلی کشاورز کتاب منتشر شد و ما هم بنا به رسم همیشگی‌مان در شماره‌های ویژه جشنواره درباره هر سینماگر یک یا دو مطلب منتشر می‌کنیم.

پیام‌های دیگر

علیرضا جمشیدی از بروجرد: رویکرد بخش «دیدبان» در چند شماره اخیر که مشکل‌ها و حواشی سینمای ایران را تقریباً بدون ملاحظه و بی‌رودریاستی بیان می‌کند، قابل تقدیر و ستودنی است. به آقای شجری کهن و ایضا مجله «فیلم» بابت صراحتی که در بیان مسائل در پیش گرفتند تبریک می‌گویم. به عنوان یک خواننده از بعضی مطالب ایشان میان ملاحظه‌کاری‌ها به وجه آمد و بسیار لذت بردم. امید که ایشان همین سبک و سیاق را در نوشته‌های بعدی خود ادامه دهند.

تمنا دارم بعد از این پیام‌هایی را که مربوط به کیفیت روی جلد هست چاپ نکنید. این پیام‌ها فقط صفحه بر می‌کنند. * خواننده عزیز، «فلاش‌بک» جای اظهار نظر در مورد همه چیز مجله از جمله روی جلد آن است.

اشنکان شیرازی از شیراز: در بخش «دیدبان» به قلم شاهین شجری کهن مطلبی درباره نماسازاری در مورد خانه پدري گفته شد، خواستم اشاره کنم این فیلم به اندازه‌ای خوش‌ساخت است که نیازی به نماندسازی ندارد. به قول یک منتقد اروپایی هنگامی که خوب فیلم می‌سازد همه چیز در فیلمت نمایان است. اما وقتی از پیش تصمیم می‌گیری فیلم نمایان بسازی به‌ندرت نتیجه کار چنگی به دل می‌زند. در ضمن اسم منتقد فرنگیس حاج‌منوچهری از تهران: مطلب عباس یاری بر دل نشست.

رضا نکتعی از یزد: فقط نه صفحه! واقعا نمک‌تکتهای ناگفته و ناشنیده‌ی وجوه ناب هنری محمدعلی کشاورز و حسین جعفریان همین قدر بود! بدون حتی یک مصاحبه با استاد محمدعلی کشاورز یا یادداشتی درباره استاد حسین جعفریان. هرچند طبق عادت معهود مجله در شماره‌های اخیر ویژه جشنواره همین روند برقرار بوده و ای هیچ ششکه و شکایت نیست و سکوت باید برای این جشنواره باشکوه (۱) و بزرگداشت‌های باشکوه‌تر (۲) بلکه دل آرام گرد.

دوست عزیز، در این گونه مناسبت‌ها قرار نیست همه حرف‌ها درباره یک سینماگر گفته شود. به مناسبت جشنواره درباره حسین جعفریان و محمدعلی کشاورز کتاب منتشر شد و ما هم بنا به رسم همیشگی‌مان در شماره‌های ویژه جشنواره درباره هر سینماگر یک یا دو مطلب منتشر می‌کنیم.

و در نوع خودش جالب. با این تفاوت که جلد ۴۲۳ حتی به حبه قند داشت. میثم حجازی از کرمانشاه: باز هم تصویر کله بازیگران روی جلد. نگوییم بهتر است، چون شماره‌ها خودتان را می‌روند. در شماره ۴۸۴ گزارش جشنواره‌ها مثل همیشه جذاب و خواندنی بودند. جیم جارموش و سینمای متفاوتش مجله را هم متفاوت کرد.

محمود اکبری از قزوین: در نقد و بررسی آثار جیم جارموش نوعی مبالغه احساس می‌شود که حاکی از تعلق خاطر نویسنده نسبت به اوست. رضا سرمست از تهران: در خصوص نقد ریحانه علیندیا در شماره ۴۸۴، انیمیشن شاهزاده خانم و قورباغه دستی است، نه کامپیوتری.

آرژو محمدرزاه از تهران: سال‌هاست خواننده مجله هستم اما برای اولین بار برای‌تان پیام می‌فرستم. سیاسی فراوان دارم از مطالب جناب شهزاد رحمتی و حس حیوان‌دوستی‌اش. مجید قدامی از تهران: پیشنهاد می‌کنم درباره شباهت فیلم و سینما به فوتبال حداقل در یک صفحه هر شماره مجله مطالبی بنویسید. به‌خصوص این‌که نویسنده فوتبالی هم زیاد دارد. من به عنوان کسی که کتابی در این زمینه با عنوان «فیلم و فوتبال» نوشته و چاپ کردم، مایل به همکاری کامل در این زمینه هستم.

میلاذ فتحاحی از تهران: خوش‌حالم که هستید. ممنون از مطالب خوبی که کار کردید. بخش سینمای جهان خیلی خوب شده است. مهدی کریمی‌فرد از تهران: یادش به خیر سال‌هایی که بخش جالب «یک ماه سینما» در تلویزیون* را داشتید. امروز با خواندن آن صفحه‌ها حال‌وهوای صداسیمایی سال‌های دهه شصت و کلسی خاطره دیگر برای‌مان زنده می‌شود. در صورت امکان حداقل اسامی فیلم‌های پخش‌شده هر ماه را برای نیست در تاریخ به صورت فهرست‌وار ذکر کنید. در صورت امکان صفحه‌های را در مجله به صورت ماهانه به فیلم‌های برحسبه تاریخ سینمای ایران و نقد مختصر و بازناب‌ها و حواشی مربوط به آن فیلم‌ها اختصاص دهید. کلا توجه به مباحث تاریخ سینمایی در سال‌های اخیر در مجله بسیار کم شده و شاید یکی از دلایل فاصله گرفتن‌تان از سال‌های اوج همین باشد.

وحید دوربین از پاکدشت: به نظرم در شماره ۴۸۲ در حق فصل فراموشی فریبا اجحاف شد. اختصاص یک صفحه

بیست سال پیش در ابتدای اسفند ۱۳۷۳ شماره‌ای منتشر نشده بود و پس از شماره ویژه جشنواره سیزدهم فجر، شماره بعدی (۱۷۱) ویژه‌نامه نوروز ۱۳۷۴ بود. به همین دلیل در این شماره صفحه «بیست سال پیش در همین ماه» غایب است.

برای این فیلم خیلی کم بود. هم چنین جای گفت‌وگو با ساره بیات خالی بود که بازی قابل‌قبولی ارائه داد.

بهمن شکبیا از تهران: در شماره ۴۸۴ خلاصه داستان مستانه را خواندم. من که با وجود علاقه زیاد و طولانی به سینما چند سال است دیگر سینما نمی‌روم، ولی امیدوار بودم در نقدهای این فیلم اشاره شده باشد که از فیلم آمریکایی ماتیک با شرکت مارگو هیتگوی و آن بن‌سرافت اقتباس شده است. نکاتی که در عروس خوش‌قدم رعایت نشده بود که از فیلم زن ضرب‌در هفت با شرکت شسری مکین اقتباس شده بود. همین طور تکیه بر بناد (تاریوش فرهنگ) که کپی از فیلم پنجره مرحوم جلال مقدم بود و البته به این موضوع اشاره نشده بود، بلکه به فیلم آمریکایی اگر اشتباه نکنم مکانی در آفتاب ارجاع داده شده بود.

هادی چشمی از تهران: چند سال است این چند مجله سینمایی را هم می‌خوانم. جلد همه تفاوت بین «فیلم» و دیگر مجله‌های سینمایی از کجاست؟ بسیار از مدیران این مجموعه که لایق هستند و مسلط و می‌دانند کجا هستند و کجا می‌خواهند بروند.

پیام‌های شما هم رسید؛ متشکرم، فرهود بهمن از میانه. محمد زنگنه، شاهین سینا، بهروز داورى از تهران. سعيده از آبادان. ایمان سیدی از درگز. روح‌الله صالحی از اراک. رسول حمیدی، غلامرضا هادی، سعید حسینی‌نژاد از شیراز. سناز سعید از تبریز. مهناز نعمتی، امین طاهری از مشهد. مهدی خلیلی‌زاد از خرم‌آباد. حسین عمویگی، صادق مدرس از اصفهان. احمدرضا پویا از لوان. مریم گلدار. رسول عباس‌پور. علی کاظمیان.

مشروح پیام‌ها در: www.film-magazine.com